

واکاوی مفهوم هویت ملی در آستانه فرا رسیدن مشروطه: بازخوانی روزنامه انجمن تبریز (۱۳۲۴ق)



• المیرا رسولی

چکیده

پیروزی انقلاب مشروطه در سال ۱۳۲۴ قمری، فراتر از یک دگرگونی سیاسی، زلزله‌ای در ارکان معرفت‌شناختی و تعریف کیستی ایرانیان بود که گذار پر مخاطره از ساحت «رعیت‌بودگی» به ساحت «ملت‌بودگی» را رقم زد. در این میان، جریده «انجمن تبریز»، نه صرفاً به عنوان یک رسانه، بلکه به مثابه زبان گویای یکی از کانون‌های اصلی تحول، نقش بی‌بدیلی در صورت‌بندی نوین هویت ملی ایفا کرد. با این حال، واکاوی لایه‌های زیرین این روزنامه در سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ قمری، نشان از نبردی پارادایمیک میان سنت و مدرنیته دارد؛ جایی که مفاهیم نوین میهنی با رسوبات دیرپای اندیشه پدرسالارانه در هم می‌آمیزند. این مقاله بر آن است تا با مذاقه در ادبیات سیاسی این جریده، نشان دهد که چگونه هویت ملی در آستانه مشروطیت، در برزخ میان «حقوق شهروندی» و «عطایای ملوکانه» متولد شد و زبان مطبوعاتی آن عصر، چگونه آینه تمام‌نمای این گذار تاریخی و تناقضات نهفته در دل آن گردید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی:

انقلاب مشروطه، هویت ملی، جریده انجمن تبریز، مدرنیته و سنت، مطبوعات، ایران، قاجار.

تعریف هویت ملی در گذار از سنت به مدرنیته

تشیع اثناعشری و تاریخ شش هزار ساله؛

دو ستون تعریف هویت ملی

خوانش متون جریده «انجمن تبریز» نشان می‌دهد که هویت ملی در آستانه مشروطه، نه یک پدیده سکولار و صرفاً سیاسی، بلکه برآمده از امتزاج میراث تاریخی و علایق مذهبی است. نویسندگان این روزنامه، هویت را بر دو ستون استوار «تاریخ باستان» و «تشیع اثناعشری» بنا می‌کنند:

۱- تشیع اثناعشری؛

بن‌مایه تمدن و وحدت قلوب

در نگاه این جریده، احکام اسلامی نه تنها مناسکی قدسی، بلکه بنیان نظم اجتماعی و مدنیت به شمار می‌روند. روزنامه با صراحت اعلام می‌دارد:

«... احکام شرع محمدی (ص) را که قانون صحیح و اصل تمدن است در مملکت اجرا نمایند...» (روزنامه انجمن تبریز، ش ۴، ص ۵، ۱۲ رمضان ۱۳۲۴ ق).

از این منظر، شریعت به عنوان «اصل تمدن»، ریسمان استواری است که قلوب پراکنده مردم را پیوند داده و یکی از ارکان قوام‌بخش هویت ایرانی در دوران گذار محسوب می‌شود.

۲- هم‌افزایی کالبد ملیت و روح مذهب

روزنامه «انجمن تبریز» برای تبیین نسبت میان دین و ملیت، از تمثیلی آناتومیک بهره می‌برد که در آن، ملیت به مثابه «پیکره» و مذهب در حکم «روح» است:

«... ملیت یک جسدیت و روح آن مذهب است؛ هر چقدر جسد آن صحیح و سالم باشد، روح آن با کمال استراحت، اجرای تکالیف خود را در اصلاح مملکت بدن می‌کند...» (روزنامه انجمن تبریز، ش ۵، ص ۲، ۱۸ رمضان ۱۳۲۴ ق)

پیش از پیروزی انقلاب مشروطه در سال ۱۳۲۴ قمری- که می‌توان آن را نخستین خیزش آگاهانه، مردمی و میهنی ایرانیان دانست- انگاره «هویت ملی» بر بنیان‌هایی متفاوت از مفاهیم مدرن استوار بود. در ساحت اندیشه سیاسی عصر قاجار، «هویت» بیش از آنکه با شاخصه‌های شهروندی پیوند بخورد، با انگاره‌های سنتی و «اندیشه پدرسالارانه» (Patrimonialis) تعریف می‌شد. در این چارچوب، نسبت میان حاکم و مردم، نه رابطه‌ای مبتنی بر حقوق متقابل، بلکه همسو با الگوی «پدر و فرزند» بازنمایی می‌شد.

ردپای این نگرش پدرسالارانه را حتی در نخستین بارقه‌های مکتوب نهادهای مشروطه‌خواه نیز می‌توان جست؛ آنجا که پارادایم‌های کهن همچنان بر زبان تجدد غلبه دارند. برای نمونه، در نخستین شماره روزنامه «انجمن تبریز»، در تبیین موهبت مشروطه چنین آمده است:

«... نعمت بزرگ افتتاح مجلس شورای ملی را به ما ملت کرامت عطا فرموده و رأفت و مهربانی اعلیحضرت شهریاری را که پدر تاجدار ماست، شامل حال عموم اهالی وطن مقدس نموده [است]. به شکرانه این موهبت عظمی، ما را لازم است که ریشه نفاق را از بن کنده ...» (روزنامه انجمن تبریز، ش ۱، ص ۱، اول رمضان ۱۳۲۴ ق).

واکاوی این متن نشان می‌دهد که در نخستین گام‌های تغییر، مفهوم «ملت» هنوز در سایه اقتدار سنتی بازتعریف می‌شود. به کارگیری تعبیر «پدر تاجدار» برای پادشاه، مردم را نه در مقام «ملت صاحب‌حق»، بلکه در جایگاه فرزندان قرار می‌دهد که ذیل ولایت قدرت پدرسالار تعریف می‌شوند. در این خوانش، مجلس نه یک حق ستانده‌شده، بلکه «نعمتی عطا شده» از سوی حاکم تلقی می‌گردد. از این رو، می‌توان چنین استنباط کرد که در اولین شماره این جریده، تعریف هویت ملی و واژه ملت، همچنان با رسوبات اندیشه پدرسالارانه درآمیخته است و زبان متن، علی‌رغم رویکرد مشروطه‌خواهی، هنوز در بند مفاهیم پیشامدرن است.

پیوند ارگانیک دولت و ملت: یگانگی در سایه قانون و آگاهی

در گفتمان سیاسی جریده «انجمن تبریز»، هویت ملی و بقای میهن، تابعی از یگانگی میان دو نهاد «دولت» و «ملت» تلقی می‌شود. این روزنامه با ترسیم افقی نوین، می‌کوشد تا شکاف تاریخی میان قدرت و توده را با ابزار قانون و اتحاد ترمیم کند.

۱- تمثیل «زبان و قلم»: وحدت در عین تکثر
روزنامه انجمن در نخستین گام‌های آگاهی‌بخشی خود، ملت را به تلاشی جمعی برای دستیابی به وفاق با دولت فرا می‌خواند:

«ای ملت نجیب ایران! جد و جهد کنید که میان ملت و دولت اتحاد و اتفاق حاصل گشته و هر دو چون زبان و قلم، دوتا ولی یکی شده، تا در نوشتن متفق و هم‌رأی باشید.» (روزنامه انجمن تبریز، ش ۱، ص ۱، ۱۳۲۴ق)

این روزنامه با بهره‌گیری از استعاره «زبان و قلم»، هویت مستقلی برای دولت و ملت قائل است، اما کارکرد آن‌ها را در صورتی ثمربخش می‌داند که در جهت «آبادی وطن» با هم همسو شوند. این نگاه حاکی از آن است که حفظ هویت ملی در گرو اعتمادی متقابل بنا شده است که در آن، ملت با تکیه بر قانون و نهاد نوپای «مجلس شورای ملی»- که در ادبیات این روزنامه به بنایی مقدس و مستحکم تشبیه شده- در پی احقاق حقوق حقه خویش و نیل به ترقی برمی‌آید.

۲- دانش و عدالت، سدی در برابر اضمحلال ملی
جریده انجمن، ریشه زوال تمدنی و فروپاشی هویت‌های ملی را در دو عامل مخرب «نفاق» و «جهالت» جستجو می‌کند:

این استعاره «تن و روان» نشان‌دهنده درکی عمیق از پیوستگی هویت ملی و باورهای مذهبی است. از دیدگاه نویسندگان این روزنامه، شکوه و سلامت ملیت (کالبد)، پیش‌شرط پویایی مذهب (روح) است؛ به طوری که اگر کالبد ملی آسیب ببیند، مذهب نیز از ایفای نقش هدایت‌گری خود باز می‌ماند. در واقع، آنان معتقدند مللی که فاقد حاکمیت و ملیت مقتدر باشند، مذهبشان نیز رو به انحطاط خواهد گذاشت. بر این اساس، بازتعریف هویت ملی در «انجمن تبریز» بر دو مدار اصلی می‌چرخد:

- تکیه بر گستره تاریخی: ارجاع به تاریخ شش‌هزار ساله ایران و یادآوری شکوه دوران باستان، به‌ویژه عصر ساسانیان، برای بازسازی غرور ملی (روزنامه انجمن تبریز، ش ۱۰، ص ۱، ۷ شوال ۱۳۲۴ق).

- تشخیص مذهبی: تکیه بر تشیع اثنا عشری به عنوان مؤلفه وحدت‌بخش و تمایزبخش هویت ایرانی.



تصویری از صفحه اول روزنامه انجمن تبریز در سال ۱۳۲۶ق

«اولین تکلیف ما این است که اتحاد نموده، علم و عدالت را در مملکت خود انتشار داده، بنیان جهالت و ظلم را به کلی براندازیم. هر کس از تاریخ عالم باخبر است، به یقین دانسته است که اضمحلال هر دولت و ملت ناشی از نفاق و جهالت بوده است.» (روزنامه انجمن تبریز، ش ۱، ص ۱، ۱۳۲۴ ق)

از منظر روزنامه انجمن تبریز، هویت ملی پدیده‌ای ایستا نیست، بلکه در مواجهه با «نفاق داخلی» و «تصلب فکری» (جهالت) به شدت آسیب‌پذیر است. در این خوانش، «علم» و «عدالت» نه تنها فضایل اخلاقی، بلکه ابزارهایی راهبردی برای صیانت از مرزهای هویتی و سیاسی کشور به شمار می‌روند. روزنامه با هشدار تاریخی، عقب‌ماندگی و عدم ترقی را محصول مستقیم گسست ملی و بی‌خبری از دانش روز می‌داند. بنابراین، در پارادایم فکری این نشریه، هویت ملی تنها زمانی قوام می‌یابد که بر ویرانه‌های جهل و استبداد، بنای رفیع آگاهی و اتحاد دولت و ملت برافراشته شود.

تجلی هویت ملی در ساحت استقلال اقتصادی و مرزگذاری با بیگانگان

در گفتمان روزنامه «انجمن تبریز»، هویت ملی فراتر از مفاهیم ذهنی، در گرو توانمندی اقتصادی و حفظ تمامیت ارضی در برابر طمع بیگانگان است. این جریده، غیرت ملی را با حمایت از تولید داخلی و ایستادگی در برابر نفوذ بیگانه پیوند می‌زند.

۱- بومی‌گرایی اقتصادی؛ نماد همبستگی اجتماعی

این روزنامه با نگاهی دقیق به معیشت لایه‌های فرودست جامعه، مصرف کالای ایرانی را نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت هویتی و اخلاقی معرفی می‌کند:

«ای وطن‌پرستان و ای صاحبان همت! بیایید همت کرده، هر متاع را که در مملکت خودتان هست و به عموم کفایت می‌کند، پوشیده و رواج دهید و از خارجه نیاوریم... اول جوراب که پنبه و پشم حاصل وطن است و زنان بیوه و پیره‌زنان به بافتن آن‌ها مشغول و گذران می‌کنند... دوم کفش را که با چرم ایران دوخته شده است... خرید چرم و کفش خارجه را در مملکت رواج ندهیم...» (روزنامه انجمن تبریز، ش ۳، ص ۳، ۷، ۱۳۲۴ ق)

۲- بیگانه‌ستیزی و صیانت از میراث وطن

در کنار استقلال اقتصادی، نویسندگان این روزنامه بر حراست از دارایی‌های مادی و معنوی ایران در برابر چشم‌داشت بیگانگان تأکید ورزیده و عدالت را تیشه‌ای بر ریشه طمع دشمنان می‌دانند:

«... امید طمع دشمنان دین ما که از اطراف، در تقسیم اmlاک و اموال وطن ما چهارچشمه منتظر بودند، با تیشه عدالت قطع خواهد شد ...» (روزنامه انجمن تبریز، ش ۵، ص ۴، ۱۸، ۱۳۲۴ ق)

از واکاوی این دو بخش می‌توان استنباط کرد که در پارادایم فکری روزنامه «انجمن تبریز»، هویت ملی پیوندی ناگسستنی با «خودتکایی» و «غیرت سرزمینی» دارد. در واقع، آنها دو لبه یک قیچی را ترسیم می‌کنند که میان ملت را تهدید می‌کند: یکی نفوذ اقتصادی (از طریق کالاهای خارجی) و دیگری نفوذ سیاسی-ارضی (از طریق طمع دشمنان در تقسیم اموال وطن).

نکته برجسته در این جریده، پیوند میان «اخلاق» و «اقتصاد» است. حمایت از کالای داخلی (مانند جوراب‌های بافته‌شده توسط پیره‌زنان ایرانی) تنها یک کنش مالی نیست، بلکه نوعی «همدردی ملی» و تقویت انسجام درونی ملت تلقی می‌شود.

از سوی دیگر، بیگانه‌ستیزی نهفته در کلمات این روزنامه، ریشه در آگاهی تاریخی نسبت به تهدیدات مرزی دارد. در نهایت، هویت ملی از منظر این روزنامه، زمانی محقق می‌گردد که ایرانی، هم در پوشش و معیشت (جسد ملیت) و هم در حاکمیت بر منابع و خاک خویش (روح استقلال)، از یوغ بیگانگان رها شده و با تکیه بر «تیشه عدالت» مشروطه، راه نفوذ را بر هر گونه استیلای خارجی ببندد.



نمایندگان ملت در مجلس اول مشروطه

نتیجه‌گیری: هویت در برزخ؛ واکاوی گذار از رعیت به ملت

واکاوی مندرجات جریده «انجمن تبریز» در سال کلیدی ۱۳۲۴ قمری، بازتاب‌دهنده سیمای ملتی است که در آستانه یکی از بزرگ‌ترین چرخش‌های تاریخی خود، میان میراث کهن و افق‌های مدرن در نوسان است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مفهوم «هویت ملی» در این مقطع حساس، نه یک برساخته یکپارچه، بلکه پدیده‌ای چندوجهی و در حال تکوین است که می‌توان نتایج ذیل را از آن استخراج کرد:

نخست، زبان روزنامه نشان می‌دهد که اندیشه سیاسی ایران در این دوره، در وضعیت «گذار» قرار دارد. حضور هم‌زمان تعبیری چون «پدر تاجدار» (نگاه پدرسالارانه سنتی) در کنار ضرورت تأسیس «مجلس شورای ملی» (اراده مدرن)، گویای آن است که هویت ملی در ابتدا نه از طریق نفی کامل گذشته، بلکه از مسیر بازتعریف جایگاه قدرت مرکزی در چارچوب قانون متولد شد.

دوم، هویت ملی در نگاه نخبگان تبریز، هویتی «دوبینایی» است. پیوند ناگسستنی میان «تاریخ باستان» (کالبد ملیت) و «مذهب تشیع» (روح ملیت)، مدلی از هویت را ارائه می‌دهد که در آن، استقلال سیاسی و شکوه تاریخی ایران با علایق قدسی و شرعی در هم تنیده شده‌اند. از این منظر، تضعیف ملیت به معنای زوال دین، و انحطاط مذهب به معنای فروپاشی شیرازه ملت تلقی می‌گردد.

سوم، تجلی عملیاتی هویت ملی در این مقطع، در دو عرصه «وحدت ارگانیک» و «استقلال اقتصادی» ظهور می‌یابد. تمثیل «زبان و قلم» برای تبیین رابطه دولت و ملت، نشان‌دهنده گذار از تقابل سنتی حاکم-رعیت به سوی یک هم‌افزایی ملی برای نیل به ترقی است. این هویت‌خواهی، با نوعی «غیرت اقتصادی» تکمیل می‌شود که در آن، مصرف کالای ایرانی و حمایت از کارگر داخلی، تکلیفی میهنی و مرزی برای مقابله با استیلای بیگانگان و صیانت از تمامیت ارضی کشور قلمداد می‌گردد.

در نهایت، می‌توان گفت هویت ملی از منظر روزنامه «انجمن تبریز»، پاسخی آگاهانه به بحران‌های عصر قاجار بود. این هویت، آمیزه‌ای است از آگاهی تاریخی، صبغه مذهبی، استقلال‌خواهی اقتصادی و قانون‌گرایی سیاسی. روزنامه انجمن با تکیه بر این مؤلفه‌ها، کوشید تا از دل جامعه‌ای پراکنده و گرفتار در جهل و نفاق، «ملتی» منسجم و صاحب‌حق بسازد که هویت خویش را نه در سایه استبداد، بلکه در تالار آیین قانون و عدالت بازمی‌یابد.

منابع:

- ۱- روزنامه انجمن تبریز، شماره ۱، ۱، ۱۳۲۴ ق.
- ۲- روزنامه انجمن تبریز، شماره ۷، ۳، ۱۳۲۴ ق.
- ۳- روزنامه انجمن تبریز، شماره ۱۲، ۴، ۱۳۲۴ ق.
- ۴- روزنامه انجمن تبریز، شماره ۱۸، ۵، ۱۳۲۴ ق.
- ۵- روزنامه انجمن تبریز، شماره ۷، ۱۰، ۱۳۲۴ ق.